

در تماس زنی ناشناس فاش شد

راز ۱۱ ساله اسکلت یک مرد در خانه قدیمی



گروه حوادث: زنی ناشناس در تماس با پلیس پرده از راز جنایتی خاموش برداشت که ۱۱ سال قبل رخ داده بود. پلیس اسکلت پسر جوانی را از عمق یک چاه مترو که بیرون کشید و در برابر سناریویی معمایی قرار گرفت.

تماس رازگشا

اوایل سال ۹۶ بود که زن ناشناسی با پلیس آگاهی تهران تماس گرفت و ادعای عجیبی کرد. این زن که سعی داشت صدایش را تغییر دهد گفت: از جنایتی که ۱۱ سال پیش به وقوع پیوسته بود خبر دارم.

خبر

در گفت و گو با خبرنگار توسعه ایرانی تشریح شد

ناگفته‌های تلخ زن جوان از یک جنایت

گروه حوادث: زن جوان که از رفتارهای شوهر پر خاشاکش به تنگنا آمده بود در اقدامی عجیب در برابر چشمان دخترش دست به قتل شوهرش زد.

عقربه‌ها ساعت هفت صبح روز سهشنبه چهارم دیماه سال جاری را نشان می‌داد و ماموران کلانتری ۱۶۳ ولنجک در تماس ماموران اورژانس از مرگ مرموز مرد ۵۷ ساله‌ای در اتاق خوابش خبر دادند.

با توجه به مرموز بودن ماجرای مرگ قاسم در خانه‌اش، تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس سجاد منافی آذر از شعبه سوم دادرسی امور جنایی تهران برای افشاکری وارد عمل شدند.

تحقیقات از زن جوان

کارآگاهان در گام نخست به سراغ زن جوان رفته و وی در اظهاراتش ادعا کرد شب گذشته همسرم در حال درس دادن به دختر ۹ ساله‌ام بود که شروع به پر خاشاکگری کرد و دخترم را به باد کتک گرفت و بعد از آن به اتاق خواب رفت. وی افزود: صبح وقتی به سراغ همسرم رفتم که بچه‌ها را به مدرسه برساند دیدم نفس نمی‌کشد که خیلی سریع با اورژانس تماس گرفتم که تیم پزشکی با حضور در خانه‌مان از مرگ همسرم خبر دادند. در این مرحله باز پرس ویژه قتل دستور داد جسد پدر این خانواده برای تحقیقات بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شود.

افشای راز یک جنایت

تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا اینکه پس از چهارم روز پزشکی قانونی علت مرگ مرد ۵۷ ساله را فحاشی از ناحیه گردن اعلام کردند که همین کافی بود تا باز پرس منافی آذر دستور دستگیری مریم ۴۰ ساله را صادر کند. روز ۹ دی ماه سال جاری ماموران مریم و دختر ۱۸ ساله‌اش را که ناهید نام دارد دستگیر کردند.

زن جوان در همان ابتدا پرده از جنایت همسرکشی برداشت و ادعا کرد دیگر از کتک کاری و اذیت‌های شوهر خسته شده بودم که در یک لحظه تصمیم به قتل او گرفتم. مریم در اعترافش گفت: پس از قتل برای

وقتی ماموران وارد ساختمان قدیمی شدند و به بازرسی از کارگاه پرداختند هیچ آثاری از محل دفن جسد فرهاد به دست نیاموردند تا اینکه به چاهی مسدود شده برخوردند. بدین ترتیب دستور نیش قبر احتمالی فرهاد صادر شد و تیم آتش‌نشانی به حفاری چاه پرداخت تا اینکه در عمق آن اسکلت انسان به دست آمد و شکی نماند گزارش زن جوان واقعیت داشته و مردی به نام فرهاد کشته شدند.

شناسایی اسکلت

باز پرس ویژه قتل با پیدا شدن اسکلت انسان دستور داد تا همزمان با انتقال استخوان‌های کشف شده به پزشکی قانونی و تشخیص هویت ردیابی خانواده مردی به نام فرهاد صورت گیرد.

دستگیری مظنونان خانوادگی

وقتی اعلام شد که اسکلت به مردی متعلق است و تجسس‌های اطلاعاتی نشان داد جوانی به نام فرهاد روزگاری در آن خانه قدیمی رفته است کارآگاهان به شناسایی خانواده فرهاد که هیچ اقدامی برای ردیابی وی انجام نداده بودند و حتما در قتل دخالت داشتند پرداختند و در اولین گام از تحقیقات پلیس یکی از برادران فرهاد به نام احمد را دستگیر کردند.

نیش قبر

احمد که باور نداشت راز ۱۱ ساله‌شان فاش شده باشد با اصرار بر بی‌گناهی در قتل برادرش گفت: فرهاد برادر ناتنی‌ام بود و تازه نامزده کرده بود. او جدا از زندگی می‌کرد. وی افزود: ۱۱ سال پیش با یکی از برادرانم به نام کریم به دیدنش رفتیم و برایش صبحانه بردیم اما هر چه در زدیم کسی در را باز نکرد. نگران شدیم و قفل در را شکستیم. وقتی وارد خانه شدیم با صحنه وحشتناکی روبرو شدیم. فرهاد خوابیده و یک پتو روی سرش کشیده بود. وقتی پتو را کنار زدیم جسدش غرق خون بود و به نظر می‌رسید قاتلی باز در ضربه جسمی سخت به سرش اورا کشته است.

وی ادامه داد: ما همانجا ماندیم و با دامادمان تماس گرفتیم اکبر آقا سریع خودش را به خانه رساند و وقتی جسد فرهاد را دید پیشنهاد داد جسد را دفن کنیم و دلیل آورد اگر جسد را دفن نکنیم قتل گردن ما می‌افتد. با حرف‌های او و سوسه شدیم به همین خاطر از ترس چاه عمیقی کندیم و جسد برادرمان را در آن دفن کردیم.

فرار مظنونان

احمد در ادامه از فرار عجیب دو مظنون پرده برداشت و گفت: دو ماه بعد از این ماجرا شوهر خواهرمان به یکباره ناپدید شد اما بعد از مدتی فهمیدیم به افغانستان رفته است.

یک داستان عجیب

بعد از آن کریم هم از کشور خارج شد و من تنها ماندم.

داماد مرموز

وی در خصوص اختلاف خانوادگی با دامادشان گفت: ما با اکبر آقا مشکل مالی زیادی داشتیم به همین خاطر اکبر مدام می‌گفت اگر پدرمان زمین‌هایش را بفروشد همه مشکلات هم حل خواهد شد. ما از دخالت‌های او ناراحت بودیم و سر همین موضوع با هم درگیر بودیم اما گمان نمی‌کنم او برادرم در را شکستیم. وقتی وارد خانه شدیم با صحنه وحشتناکی روبرو شدیم. فرهاد خوابیده و یک پتو روی سرش کشیده بود. وقتی پتو را کنار زدیم جسدش غرق خون بود و به نظر می‌رسید قاتلی باز در ضربه جسمی سخت به سرش اورا کشته است.

گذشت از خون

در حالی که احمد منکر دست داشتن در قتل بود به عنوان مظنون روانه زندان شد و این در حالی بود که مادر و خواهر وی با مراجعه به دادسرا اعلام رضایت کردند.

دادگاهی ناتمام

بدین ترتیب پرونده برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و قرار بود صبح دیروز به آن رسیدگی شود، ولی این جلسه با وجود تشکیل و حضور متهم به قتل در دادگاه به خاطر عدم نشر آگاهی برای پیدا کردن داماد خانواده که وی نیز از مظنونان قتل است ناتمام ماند و قرار شد بعد از رفع این ایراد قضایی رسیدگی به این جنایت معمایی صورت گیرد.



به من ضرب‌های بزند که دخترم توانسته بود جاقو راز دستش بگیرد که پس از آن شوهرم مرا کتک زد.

چطور شوهرت را به قتل رساندی؟
شوهرم بعد از درگیری ناگهان حالش بد شد و نمی‌دانم چرا یک دفعه ضعف کرد و احساس می‌کنم خودش ناراحت بود که روی مبل نشست و دیگر قدرتی نداشت که همان لحظه تصمیم گرفتم به این کتک کاری‌ها و اذیت‌ها پایان دهم که روسری را دور گردنش انداختم و آنقدر فشار دادم تا دیگر نفس نکشید.

دخترانت شاهد صحنه قتل پدرشان بودند؟
دختر ۹ ساله‌ام داخل اتاق بود و فکر نکتم صحنه را دیده باشد اما دختر بزرگم از من می‌خواست که دست از قتل بردارم و پدرش را رها کنم اما بی فایده بود. ناهید با گریه می‌گفت ۲۰ سال تحمل کردی، پدرم را نکش و همگی با هم فرار می‌کنیم و در یک چادر زندگی می‌کنیم. دخترم نگران من بود که به زندان بیفتم ولی من دیگر خسته شده بودم و با فرار از خانه هم پولی برای زندگی نداشتیم، به همین خاطر تصمیمی را که گرفته بودم به اجرا گذاشتم.

بعد از قتل چه کردی؟
جسد را داخل اتاق خواب کشاندم و با صحنه سازی سعی داشتم ماجرای مرگ شوهرم را عادی نشان دهم و صبح با برادرم تماس گرفتم و ادعا کردم که شوهرم در شب با من درگیر شده اما صبح که به سراغ رفتم دیگر نفس نمی‌کشد که از من خواست با اورژانس تماس بگیرم.

چرا او همسرت را کشتی؟
چون حقوقی نداشتیم و کسی نبود که از من حمایت کند و زندگی با شوهرم با شرم و خجالت بود و ترسیدم دخترانم را از من بگیرد.

از خانواده‌ات کمک نخواستی؟
دختر بزرگم سه ساله بود که در باره رفتارهای شوهرم با برادرم صحبت کردم که برادرم خواست از شوهرم جدا شوم تا اتفاق بدی برای من و دخترم نیفتد. مدتی با دخترم خانوادهاش را به سراغم فرستاد تا بر گردم و قول داده که دیگر دست از پر خاشاکگری برمی‌دارد و در ادامه دخترم را از من گرفت که مجبور به بازگشتن شدم.

شب جنایت چه اتفاقی افتاد؟
من از قبل هیچ نقشه‌ای برای کشتن شوهرم نداشتم.

چه اتفاقی افتاد که شوهرت را کشتی؟
ناهید داخل اتاقش سرگرم درس خواندن بود و شوهرم با دختر ۹ ساله‌ام در حال تمرین و درس دادن بود که ناگهان شروع به فحاشی به دختر بچه‌مان کرد. ناهید از اتاق بیرون آمد و از من خواست که پدرش را آرام کنم تا درس بخواند. در همین لحظه شوهرم عصبانی شد و شروع به فحاشی کرد و یک ضربه محکم به قفسه سینم زد که بین ما درگیری رخ داد.

دخترت میانجیگری نکردی؟
شوهرم با پر خاشاکگری به من می‌گفت خودت که بیسوادی پس به من نگو چطور درس بدهم و بعد از قتل از دخترم شنیدم که پدرش در زمان درگیری یک جاقو از آشین‌خانه برداشته و قصد داشته از پشت

اخبار حوادث

کلاهبرداری نیم میلیاردی از یک زن نیکو کار

۲ برادر با کمک ۲ زن و به بهانه کمک به انجمن حمایت از بیماران MS دست به کلاهبرداری میلیاردی می‌زدند.

چندی قبل زن جوانی با مراجعه به پلیس فتای تهران از ماجرای کلاهبرداری نیم میلیاردی زن جوانی که تحت پوشش یک خیریه اقدام به فریب وی کرده بود خبر داد. زن جوان با حضور در پلیس فتا به ماموران گفت: چندی قبل در یک کانال تلگرامی که به نام انجمن حمایت از بیماران MS ثبت شده بود عضو شدم که در این کانال با ۲ زن جوان که مرجان و سیمین نام داشتند آشنا شدم. وی افزود: مرجان پس از دوستی شروع به تبلیغات درباره انجمن‌شان در خصوص درمان تضمینی و حمایت از بیماران MS در کشور آلمان و رایگان بودن هزینه دارو و درمان در این کشور صحبت کرد. زن جوان ادامه داد: دوزن جوان با عنوان کمک و گرفتن ویزا برای مهاجرت زیرپایم نشستند و با چرب‌زبانی‌هایشان مرا وسوسه کردند تا هم برای کمک به انجمن حمایت از بیماران MS همراهی‌شان کنم هم برای مهاجرت از آنها کمک بخواهم.

وی گفت: پس از اعتماد به ۲ زن جوان آنها مرا به مرد جوانی که با شماره تلفن کشور آلمان از طریق واتس آپ با من در تماس بود و ادعا می‌کرد در کشور آلمان است به همین خاطر ۵۰۰ میلیون تومان به حساب ۲ مرد جوان واریز کردم که پس از مدتی متوجه کلاهبرداری این باند حرفه‌ای شدم. بدین ترتیب تیمی از ماموران پلیس فتای تهران برای دستگیری عاملان این کلاهبرداری میلیون وارد عمل شدند و ماموران در گام نخست پی بردند که حساب بانکی ۲ مرد جوان که باهم برادر هستند برای کشور آلمان است و ۲ برادر که مقیم کشور آلمان هستند از چندی قبل به ایران بازگشته‌اند.

همین کافی بود تا ماموران با اقدامات فنی و پلیسی سیواوش و آرش را که باهم برادر هستند در عملیات پلیسی دستگیر کنند. متهمان که راهی جز اعتراف نداشتند به کلاهبرداری میلیونی به بهانه مهاجرت و حمایت از انجمن بیماران MS پرده برداشتند. بنا به این گزارش، متهمان برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

خودکشی مدیر یک فروشگاه و رشک بزرگ در آبادان

مدیر یک فروشگاه بزرگ در آبادان بخاطر بدهکاری میلیونی دست به خودکشی زد و صحنه مرگش را با گوشی موبایل ضبط کرد.

ساعت ۴ عصر روز شنبه ۱۵ دی ماه سال جاری ماموران پلیس آبادان در جریان خودکشی مرد جوانی در یکی از فروشگاه‌های معتبر آبادان در منطقه سیکیلین شدند. بدین ترتیب تیمی از ماموران دایره جنایی پلیس آگاهی آبادان برای تحقیقات ویژه‌ای در صحنه جرم گذاشتند.

کارآگاهان با حضور در فروشگاه بزرگ در منطقه سیکیلین آبادان با جسد حلق آویز شده مدیر فروشگاه که مرگ ۳۷ ساله‌ای است روبرو شدند و در ادامه تحقیقات گوشی موبایل و یک نامه که در کنار جسد مرد حلق آویز شده به دست آمد.

تیم پلیسی در ادامه مشاهده کردند که مدیر فروشگاه قبل از خودکشی دلیل این اقدام خود خواسته‌اش را بدهکاری میلیونی و اینکه دیگر راهی برای پرداخت این بدهکاری نداشتند اعلام کرده است و در ادامه نوشته بود که همه صحنه خودکشی ام را با گوشی موبایل که در کنارم گذاشتم ضبط شده است. بنا به این گزارش، جسد مدیر این فروشگاه پس از بررسی‌های ابتدایی برای تحقیقات بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد.

قتل خونین زن جوان در غیاب شوهرش

مرد جوان وقتی از مسجده به خانه بازگشت با جسد خونین زنی در خانه روبرو شد.

«علی اکبر قمبرزاده» دادستان عمومی و انقلاب شهرستان گمیشان گفت: با مدار روز گذشته در پی تماس تلفنی اهالی یکی از روستاهای گمیشان با حضور در محل، صحنه قتل بررسی شد.

وی افزود: بسه گفته خانواده مقتول، این زن با مدار یکشنبه ۱۶ دی ماه سال جاری زمانی که همسر او برای اقامه نماز صبح از خانه خارج شده بود، توسط فرد یا افرادی ناشناس به قتل رسید و طلاهای او به سرقت رفته است. قمبرزاده ادامه داد: کارآگاهان به چند نفر مظنون شده‌اند و بازجویی از این افراد زیر نظر قاضی پرونده در حال انجام است. بنا به این گزارش، تحقیقات پلیسی در این پرونده معمایی ادامه دارد.